

پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران
دوره ۱۲، شماره پیاپی ۲۳
بهار و تابستان ۱۴۰۱، صص ۲۰۹-۲۴۱

پی‌جویی شیر سنگی (جلو‌های از هنر و هویت بختیاری) با تکیه بر مطالعه مردم‌شناسی هنر

محمد افروغ^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۲۵

چکیده

پیکرتراشی و آفرینش تندیس و مجسمه‌های یادبودی، یکی از کهن‌ترین هنرهای سنتی است که از سابقه‌های کهن در تاریخ تمدن ایران برخوردار است. در این میان، شیر سنگی از برجسته‌ترین دست‌کنده‌های فرهنگی و نمادین در هنر پیکرتراشی است که در جغرافیای وسیع بختیاری سابقه‌ای دیرینه دارد. از دیگر سو، فهم و شناخت علل خلق آثار هنری در میان عشایر و درک مفاهیم پنهانی و بنیادین حاصل از نگرش و باورهای هنرمندان، نیازمند به‌کارگیری شیوه‌های علمی و مرتبط با هنرهای بومی (شیر سنگی) است. در مقاله حاضر، رویکرد مردم‌شناسی هنر برای کشف معناهای ضمنی انتخاب شده است. بررسی و تحلیل به‌منظور کشف معناها و کارکردهای شیر سنگی و نقوش آن‌ها در بستر فرهنگی جامعه بختیاری، مقصد و هدف این رویکرد است. طبقه‌بندی انواع شیرهای سنگی، نقوش، و چيستی و چرایی آفرینش آن‌ها، موضوع اصلی این پژوهش است. برخی از یافته‌های این پژوهش شامل موارد زیر است: ۱. آفرینش شیرها صرفاً جنبه یادبودی دارد و به‌جهت گرامیداشت یاد و نام، و خاطره مردان شجاع ایل بوده است؛ ۲. شیرهای سنگی به دو نوع قدیمی (انتزاعی) و جدید (طبیعی و رئال) تقسیم‌بندی می‌شوند؛ ۳. شیرهای انتزاعی ایستاده و به پشت خوابیده، دارای انواع نقوش و تزئین، چهره‌های آرام و خنثی، و جثه‌های کوچک و متوسط هستند و شیرهای امروزی نشسته و ایستاده، بدون نقش و تزئین، و دارای چهره‌های خشمگین‌اند. امروزه با گذشت زمان، شیر سنگی علاوه بر استفاده نمادین و یادبود، به‌عنوان عنصری تزئینی و دکوراتیو در دکوراسیون‌های داخلی مختلف نیز استفاده می‌شود. تحقیق از نوع کیفی و توصیفی-تحلیلی و شیوه گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و میدانی است.

واژه‌های کلیدی: انسان‌شناسی هنر، بختیاری، تزئین، سنگ‌تراشی (حجاری)، شیر، هویت.

^۱. استادیار دانشگاه اراک، دانشکده هنر، گروه آموزشی فرش، m-afrough@araku.ac.ir

مقدمه

از آنجا که اصالت و عظمت یک قوم و فرهنگ آن به‌طور مستقیم در هنر آن جلوه می‌کند، آثار هنری مانند شیر سنگی، نمایشگر فرهنگ و تمدن هر قوم است. آشنایی با هنر، فرهنگ و باورهای این مرزوبوم، از طریق مطالعه چگونگی و چرایی شکل‌گیری آثار هنری، نقش و نگاره‌ها، نمادها، در قالب دانش انسان‌شناسی هنر امکان‌پذیر است. رصد و سنجش هنر و ارزش‌های زیباشناختی، فن‌شناختی و کارکردشناختی در میان اقوام، رسالتی است که علم مردم‌شناسی هنر برعهده دارد. شیر به‌عنوان نمادی فراگیر، بانفوذ و محبوب نزد همه تمدن‌ها، از رایج‌ترین عناصر نمادین و کاربردی در تمدن، فرهنگ و هنرهای دیرین جهان و به‌ویژه ایران است؛ عنصری که به‌همراه خورشید در پشت یا پهلوی خود، نماد ملی ایرانیان در گذشته محسوب می‌شود و ساکن‌شدن قدرت در خورشید را تداعی می‌کند. شیر در گستره تمدنی ایران و به‌طور خاص حوزه فرهنگی بختیاری، بازتاب وسیعی در باورهای علمی، فرهنگی و هنر این سرزمین داشته است. در این میان، شیر سنگی یکی از برجسته‌ترین آثار هنری آیینی و نمادین در منظومه هنر بومی و قومی بختیاری است که نمودی از هویت فرهنگی و میراث‌هنری ایشان را شکل داده و تجلی بخشی از باورها و آیین‌های نمادین آن‌ها درباره زندگی است. این اثر هنری، قسمتی از سنت‌های هنری قومی و ایلی عشایر است که به‌طور طبیعی و در اثر تغییر شیوه‌های زندگی و همچنین کمرنگ‌شدن سنت‌ها باید کارکرد خود را از دست می‌داد، اما هنوز تولید می‌شود و علاوه بر کارکرد سنتی و ذاتی خویش (جنبه آیینی) -البته به‌صورت محدودتر در مقایسه با گذشته- به‌عنوان کالا و اثر هنری در قالب‌های تزئینی، همچنان به حیات خویش ادامه می‌دهد. پرسش پژوهش حاضر این است که شیرهای سنگی بختیاری از ابعاد مختلف فن‌شناختی، زیباشناختی و کارکردشناختی به‌عنوان مؤلفه‌های مهم حوزه انسان‌شناسی هنر دارای چه ویژگی‌هایی هستند. همچنین شیرهای سنگی در چه سبکی تراشیده و ساخته می‌شود و نقش‌های حجاری‌شده بر بدنه آن‌ها کدام است، پرسش‌های فرعی این مقاله هستند؛ چه اینکه هدف این تحقیق، مستندنگاری این نوع از هنر بومی قومی و ایلی برمبنای شناسایی، بررسی، توصیف، تحلیل و معرفی به جامعه مخاطبان به‌عنوان یک ضرورت است.

روش‌شناسی پژوهش

در این مقاله، شیر سنگی با رویکرد مردم‌شناسی هنر و از مناظر زیبایی‌شناختی (طرح، نقش و رنگ‌بندی)، معناشناختی، فن‌شناختی و کارکردشناختی بررسی و تحلیل شد. برمبنای این رویکرد، شیر سنگی و نقوش آن‌ها به‌عنوان اثر هنری بومی بختیاری، در یک زمینه فرهنگی و به‌پشتوانه زمینه‌ها و داشته‌های فرهنگی هنرمند حجار و سنگ‌تراش شکل می‌گیرد که کوشش می‌شود این آثار سنگی و نقوش آن‌ها، شناسایی شود و ارتباطشان با عوامل مؤثر در شکل‌گیری

آن‌ها مانند فرهنگ، عقاید و باورها، اساطیر و آداب‌ورسوم آشکار شود. این تحقیق که از نوع بنیادین است، با نگاهی تطبیقی به شیرهای قدیمی و جدید، به صورت توصیفی-تحلیلی صورت گرفته و حوزه مورد مطالعه، جغرافیای قوم و عشایر بختیاری است.

پیشینه پژوهش

به استثنای برخی مطالب پراکنده و تکراری در سایت‌ها، منابعی هرچند محدود، در مورد موضوع شیر سنگی بختیاری وجود دارد که برای آگاهی هرچه بیشتر مخاطب معرفی می‌شوند. کتاب شیر سنگی: پژوهشی درباره شیرسنگی در بختیاری (قنبری‌عدیوی، ۱۳۹۳) که نویسنده در آن، شیر را در ساحت‌های مختلف فرهنگ و ادبیات ملی (فارسی)، سفرنامه‌های فرنگیان، فرهنگ (عامه) بختیاری شامل ادبیات، ضرب‌المثل و هنرهای دیداری (تعزیه)، قالیچه‌های (گبه‌های) شیری و پیکرنگاره شیر، مطالعه، شناسایی و معرفی کرده است. همچنین در مقاله «برد شیر (شیر سنگی) در فولکلور و دانش بومی بختیاری» (قنبری‌عدیوی، ۱۳۹۹)، شیر سنگی در فرهنگ بختیاری مطالعه و بررسی شده است. در مقاله «مردم‌نگاری پیشه سنگ‌تراشان شیر سنگی در مناطق بختیاری‌نشین» (حیدری، ۱۳۹۹)، حرفه سنگ‌تراشی و هنرمندان حجار در جغرافیای بختیاری مورد مطالعه مردم‌نگارانه واقع شد. مقاله حاضر به بررسی و معرفی ابعاد فنی و زیباشناختی شیر سنگی و مهم‌تر، تطبیق شیرهای قدیمی و جدید می‌پردازد.

آیین کتل‌بستن، مافگه و استوار کردن شیر سنگی؛ کنش‌هایی در جهت تجلیل از مرگ متوفی

سوغ و سوگواری در ایل بختیاری، از بعدی نمادین و جایگاه آیینی برخوردار است. یکی از مهم‌ترین ابعاد نمادین سوگ، آیین کتل‌بستن است که در جهت تجلیل از مقام متوفی و به هنگام مرگ بزرگان و سلحشوران بختیاری، با یک مراسم خاص همراه با موسیقی برگزار می‌شود. این آیین که ریشه در تاریخ باستان بختیاری دارد، بیانگر ارزش‌های اجتماعی، رشادت‌ها و سلحشوری‌های این قوم است. در این مراسم تعدادی اسب بی‌سوار را با پارچه‌های رنگی (عمدتاً سیاه) آذین‌بندی می‌کنند و بر گرده هر اسب، دو قبضه اسلحه شکاری و همچنین اسباب و آلات جنگی را روی زین اسب آویزان می‌کنند و چند مرد آن را گرداگرد کوشکی که از قبل ساخته شده، می‌گردانند و زنان و مردان با سر و پای برهنه به دنبال کتل حرکت می‌کنند و به زاری می‌پردازند. این مراسم همراه با موسیقی و نواختن ساز (سرنا و دهل) و آهنگ چپی (وارونه) و خواندن سوگ‌سرود یا مرثیه‌سرایی (آواز گاگریو یا گوگریو گفتن و گریستن) به

مویه‌خوانی نظر دارد که آن را زنان میانسال یا کهنسال اجرا می‌کنند. از عناصر فرهنگی و نمادین و آیین‌های دیگری که دربارهٔ زنده نگه‌داشتن یاد متوفی رایج بود، ساختن بنای یادبود سنگی (معماری یادمان)، سازه‌ای چهارگوش مربع یا مستطیل‌شکل بود که در اصطلاح محلی بدان مافگه^۱ گفته می‌شود. این بنای سنگی که مکعبی ساده و توپر بود، برای کلانتران و بزرگان، جوانان و شهیدان راه وطن ساخته می‌شد و در واقع یک نماد و عنصر فرهنگی در میان بختیاری‌ها است. ارتفاع و اضلاع این بنا بین ۱/۵ تا ۲ متر است. بختیاری‌ها به قبر، روح، بخت، تربت (خاک)، مافگه و بردشیر درگذشتگان خویش سوگند یاد می‌کنند (قنبری عدیوی، ۱۳۹۳: ۴۲). شایان ذکر است که این آیین از دهه‌های گذشته در بین بختیاری‌ها و در روز عاشورا در تجلیل از مقام حضرت امام حسین (ع) و یاران بزرگوار آن حضرت برگزار می‌شود که اجرای آن نشان از جایگاه متوفی دارد. بعد از خاکسپاری و در تکمیل تجلیل از مقام فرد متوفی، شیر سنگی به‌عنوان نماد شجاعت، رشادت، بزرگ‌منشی و یادبود، روی مزارش ساخته می‌شود. مراسم کتل‌بستن، تزئین و آراستن سنگ‌مزارها به انواع نقش‌مایه‌های گیاهی (گل و درخت زندگی)، جانوری (شیر، ماهی، طاووس و سایر پرندگان)، نقش‌ها و حواشی هندسی و مهم‌تر از همه، برافراشتن شیر بر سر مزار متوفی، نشان از اهمیت جایگاه و حضور باورهای جمعی، قومی و آیینی نزد ایرانیان، قوم بختیاری دربارهٔ تکریم و تجلیل از مسافران دیار باقی دارد. در تصویر ۱، نمایی از آیین‌های کتل‌بستن و مافگه نشان داده شده است.



تصویر ۱. بالا: بخش‌هایی از مراسم آیینی کتل در مراسم سوگواری بختیاری

(منبع: <http://gaplory.blogfa.com>)

پایین: نمونه‌هایی از مافگه (بنا و معماری یادبود) در بختیاری برای بزرگان (مافگه آبهمن علاءالدین)

و جوانان (شهیدان) والامقام (<http://blogfa.com>)

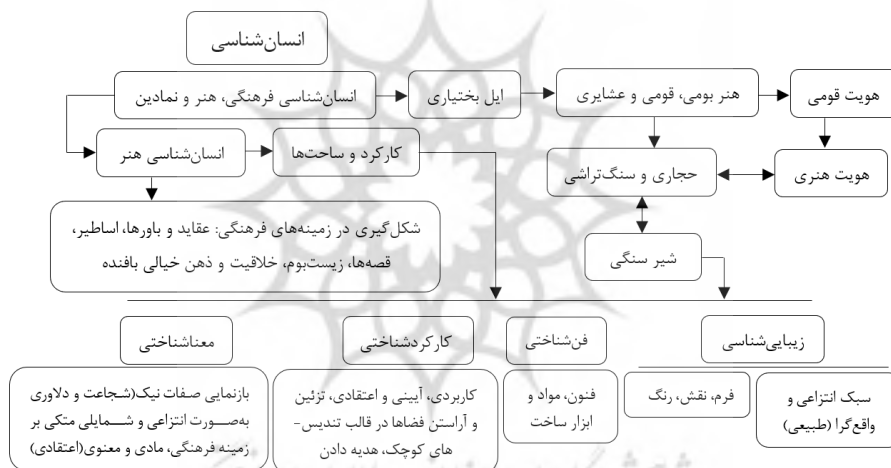
۱. اصطلاح مافگه (Mafegah) در نواحی مختلف بختیاری، تلفظ‌های متفاوتی نظیر مافنگه، مافیسه، مافگه و... دارد (قنبری عدیوی، ۱۳۹۳: ۴۳). پروندهٔ ثبت جهانی مافگه به‌عنوان میراث معنوی ناملموس در فهرست آثار فرهنگی خوزستان، به یونسکو ارسال شده است.

مبانی و چارچوب نظری پژوهش

هنر سویه ارزشی و کیفی زندگی و «در پیوند با آن است و تاروپود آن با تجارب، احساسات و اندیشه‌ها، باورهای یک جامعه و فرهنگش بافته شده است، خاصه در جوامع سنتی» (شیرانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۲)؛ مانند جامعه بختیاری که در آن، هنر، ماهیتی کاربردی و عملی دارد و «درعین حال که نیازهای روزمره افراد یک جامعه با فرهنگی خاص را برطرف می‌سازد، ذوق آفریننده‌اش را نیز برای درک و فهم زیبایی پرورش می‌دهد» (همان). با مطالعه دست‌ساخته‌ها و آثار هنری جوامع بومی نظیر بختیاری، می‌توان از منظر رویکرد مردم‌شناسی (انسان‌شناسی) به فهم و شناخت فرهنگ و ارزش‌های زیباشناختی و معناشناختی نقوش و آرایه‌های تزئینی آثار هنری دست یافت. مطالعات مردم‌شناسی، یکی از مهم‌ترین رویکردهای مرتبط و نزدیک به هنرهای بومی، قومی و کاربردی است و رویکرد مردم‌شناسی فرهنگی و هنری از مهم‌ترین زمینه‌های این علم است. بر مبنای این رویکرد، در هر جامعه‌ای با توجه به ملاک‌های فرهنگی که دارد، هرگونه مطالعه، تحلیل و تفسیر آثار و اشیای هنری باید در بستر آن انجام شود. «اگرچه انسان‌شناسی همواره هنر را به‌عنوان بخش و نمودی از فرهنگ بومی و محلی مورد نظر دارد، لیک به‌خاطر وسعت و تنوع کاربرد آن در زندگی تلاش دارد تا با رویکردی جامع، هنر و مسائل مرتبط با آن مانند آثار هنری و هنرمندان، خاستگاه‌ها، فضاها، سبک‌ها و شیوه‌های هنری، پیامدها و تأثیرات را در جوه مختلف فرهنگی، اجتماعی، اعتقادی و اقتصادی را به‌عنوان یک پدیده فرهنگی گسترده و پویا معرفی کند» (افروغ، ۱۴۰۰: ۳۰۳). هدف از مردم‌شناسی هنر این است که به «فهم هنر از دیدگاه فرهنگ آفریننده‌اش پردازد» و این رویکردی است که ادموند لیچ آن را محور و مورد توجه انسان‌شناس می‌داند: «اثر هنری چه معنایی برای سازندگان آن دارد؟» (لیچ^۱، ۱۹۶۷: ۲۵). در حقیقت انسان‌شناسی هنر «رویکردی است که هنر را دارای زمینه فرهنگی می‌داند و فهم هنر بدون شناخت این زمینه ممکن نیست. نشان‌دادن اینکه اشیای هنری چگونه در فرهنگ یک جامعه خاص تولید می‌شوند و چه کارکردی برای آن فرهنگ دارند، وظیفه یک انسان‌شناس است» (شیرانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۲). به‌واقع این رویکرد از مردم‌شناسی «با این سویه و نگرش که هنر یک فرآورده فرهنگی است، از عنصر فرهنگ در همه جوه آن با هدف درک اثر هنری به‌عنوان یک ابزار استفاده می‌کند. بر این مبنای، کنکاش‌های هنری از آنجایی نمود و تداعی فرهنگ هستند» (افروغ، ۱۴۰۰: ۳۰۴) که شامل «الگوهای مشترک و آموخته‌شده رفتارها، باورها و احساسات ویژه‌ای می‌شوند» (امبر و امبر^۲، ۱۹۹۳: ۴۴۶).

1. Leach
2. Ember&Ember

هوارد مورفی هنر و آثار هنری در منظومه مردم‌شناسی را این گونه معرفی می‌کند: «آثاری که ویژگی‌های معناشناختی و زیباشناختی دارند و برای نمایاندن یا بازنمایی به کار می‌روند» (مورفی^۱، ۱۹۹۴: ۶۵۵). از این‌رو سنگ‌تراشی (حجاری) و شیرتراشی در جغرافیای بختیاری، نمودی از فرآورده فرهنگی و میراث هنری، بخشی از فرهنگ جامعه بومی، محلی و عشایری این قوم به‌شمار می‌رود که از سابقه دیرینه‌ای برخوردار است. شیر سنگی یکی از برجسته‌ترین آفرینش‌های سنگی است که هنرمندان سنگ‌تراش (بردبر) از گذشته‌های دور تا به اکنون، به‌منظور نصب بر مزار افراد شجاع و شایسته، تراش می‌دهند و می‌سازند. در تصویر ۲، چارچوب شکل‌گیری و ارتباط بین رویکرد انسان‌شناسی هنر و ساحت‌های آن با شیرهای سنگی و مؤلفه‌های ساختاری وابسته به آن در این ساحت‌ها نشان داده شده است؛ اگرچه ممکن است این مؤلفه‌ها در برخی پژوهش‌ها با اندک تغییراتی همراه باشد.



تصویر ۲. مدل انسان‌شناسی هنر و شیر سنگی و چگونگی ارتباط مؤلفه‌های وابسته به آن‌ها

منبع: پژوهشگر

۱. کارکرد زیباشناختی

از منظر و رویکرد انسان‌شناسی، مقوله هنر شامل آثار و اشیایی دارای خصوصیات و ویژگی‌های معناشناختی و زیبایی‌شناختی است که با هدف نمایاندن یا بازنمایی به کار گرفته می‌شود (مورفی، ۱۳۸۵: ۳۱). از این‌رو شیرهای سنگی بختیاری، ضمن داشتن سبک خاص و جنبه کارکردی، دارای جلوه و ظاهری از ساحت معناشناختی و زیبایی‌شناختی نیز هستند. در شیرهای

سنگی، عناصری نظیر طرح و نقش و در برخی موارد، رنگ، نمودی از عرصهٔ زیباشناختی است که محقق انسان‌شناس باید در بستر و پیوند با زمینهٔ فرهنگ بافنده، تفسیر و تحلیل کند. مورفی (۱۹۹۲) در مقالهٔ «زیبایی‌شناسی از دیدگاه میان‌فرهنگی»، زیبایی‌شناسی را در قالب دو گونهٔ فرهنگ مادی و غیرمادی بررسی می‌کند. در مورد فرهنگ مادی، زیبایی‌شناسی تابع ویژگی‌های مادی مانند فرم، ترکیب و کیفیات حسی است، اما زیبایی شیء می‌تواند تابع ویژگی‌های غیرمادی، مانند ویژگی دوره، مکان یا جوهر ماوراءطبیعی اشیا باشد. نسبت ویژگی‌های مادی به غیرمادی، مانند نسبت معنای صریح به ضمنی است. برای شناخت و تشخیص ویژگی‌های غیرمادی باید به شناخت فرهنگی پرداخت و شناخت همهٔ گونه‌های زیبایی در گرو شناخت معیارهای ارزشی است؛ بنابراین زیبایی‌شناسی مشخص می‌کند یک چیز چگونه حس و دریافت می‌شود (مورفی، ۱۳۸۵: ۵۱). از این رو «برای درک زیبایی‌شناسی مادی، به فرم به‌عنوان عنصری اصلی در بستر فرهنگ بختیاری پرداخته خواهد شد و زیبایی‌شناسی غیرمادی به‌دلیل نزدیکی با ویژگی‌های معنایی در بخش معنانشناسی متمرکز می‌شود» (زکریایی کرمانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۸). شایان ذکر است که معیارهای زیبایی در هنرهای بومی نظیر حجاری و شیرتراشی، تجربیات کیفی و اصیلی است که نزد حجاران هنرمند خودآموختهٔ این قوم و در زمینهٔ فرهنگ و زیست‌بوم ایشان دیده می‌شود. اصول زیباشناختی این آثار هنری سنگی، در درازنای تاریخ آفرینش آن‌ها و نقش و نگاره‌هایشان، بر مبنای ذهن خلاق و خیالی و احساس ناب درونی ایشان پدید آمده و در فرایند نقش‌پردازی همراه او بوده است.

۱-۱. فرم و نقش

مقولهٔ زیبایی‌شناسی در هنرهای بومی به‌ویژه حجاری و سنگ‌تراشی، شامل عناصر فرم (در اینجا حجم)، نقش و بعضاً رنگ است. با این عناصر هویت هنری و ساحت زیباشناختی یک اثر هنری نظیر شیر سنگی شکل و ساختار محتوایی می‌گیرد. نقش به‌همراه فرم و حجم شیرها در کنار کاربرد آن‌ها، شاخصه‌های مهمی در تحلیل رویکرد انسان‌شناسی هنر شناخته می‌شود. آفرینش انواع فرم‌ها، نقش و رنگ «بدون اغراق، از زنده‌ترین و پرمایه‌ترین هنر‌نمایی‌های عشایر ایران است. از حیث بصری، وزن و ارزش کم‌نظیر گستره‌ها و تعاملات فضای مثبت و منفی و بازی‌های بصری آن و همچنین هم‌نشینی بی‌بدیل رنگ‌هایی که از حیات پیرامون ایشان مایه می‌گیرد، با بسیاری از مؤلفه‌های هنر مدرن نظیر «آشنایی‌زدایی»، تأکید بر شکل (فرم) و ارزش‌های بصری ناب آن و نیز انتزاعی‌گری از یک‌سو و ملاک‌های ماندگار هنر قومی از سوی دیگر، همگرایی دارد» (ابراهیمی ناغانی، ۱۳۹۳: ۹۳). در شیرهای سنگی بختیاری، نخستین عنصر دیداری (بصری) که دیده می‌شود، فرم یا شکل کالبدی شیرها است. در شیرهای قدیمی‌تر فرم‌ها به‌صورت انتزاعی و دارای

حجم کمتر و در شیرهای امروزی، طبیعی و واقع‌گرا همراه با اغراق است. اگرچه رنگ در هنرهای بومی، بخش مهمی از ساختار و آفرینش اثر هنری به‌شمار می‌رود، این عنصر تجسمی و زیباشناختی در شیرهای سنگی به‌جز در مواردی محدود که مربوط به زمان حال است، جایگاهی ندارد. برای هنرمند حجار و سنگ‌تراش، آفرینش اشکال، فرم‌ها، و نقش و نگاره‌های هندسی (انتزاعی و هندسی) در فرایند پردازش ذهنی شیر سنگی، زبان بیان عقاید و باورها است و در مقایسه با سایر شیوه‌های ارتباط، از اهمیت بسزا و ارجحیت بیشتری برخوردار است. بیان انتزاعی و خلاصه‌شده و تنوع فرمی و صوری اشکال و نقوش و ارزش‌های زیباشناختی آن‌ها، بازتاب‌دهنده ساختارهای دیداری زیبا و مفاهیم معناشناختی و نمادین است که برساخته از زمینه فرهنگی و قومی، تخیل و ساحت ذوق‌آزمای هنرمند است. هنرمند سنگ‌تراش با بهره‌گیری از قوه ذهن و تخیل خویش، شکل و حجمی ترسیمی از اثر هنری در ذهن خویش طراحی می‌کند و سپس آن را از یک قطعه سنگ به‌ظهور می‌رساند.

۲-۱. سبک

دومین ساحت از رویکرد زیبایی‌شناختی، مقوله سبک است. واژه سبک از جمله مفاهیمی است که با تکثر و تنوع معنایی همراه است. فورگ (۱۹۷۳) معتقد است «سبک، یکی از مفاهیم اصلی و کلیدی در مطالعات هنر است که اتفاق نظر چندانی در مورد آن وجود ندارد. گروهی همچون (دانل ۱۹۷۸) آن را مکمل کارکرد نظام می‌دانند» (زکریایی کرمانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۹۴)، اما باید گفت «در مجموع می‌توان برای سبک، دو مفهوم کاملاً متفاوت در نظر گرفت. اول اینکه سبک به تشابهات فرمی اشیا دلالت دارد که تولیدکننده آگاهانه آن‌ها را شکل می‌دهد و ناظر یا انسان‌شناس آن‌ها را مشاهده و تحلیل می‌کند، اما مفهوم دوم به تشابهاتی اشاره دارد که تولیدکننده اثر در آنها به‌صورت ناخودآگاه و تابع انتقال مهارت‌های فنی دخالت دارد و تنها بر ناظر بیرونی آشکار می‌شود» (مورفی، ۱۳۸۵: ۴۷-۴۸)؛ بنابراین بازآفرینی فرم‌های سنتی به‌صورت الگو، تابع همین معنای سبک است. حجاری و سنگ‌تراشی شیرها، و نقش و نگاره‌های کنده‌کاری شده بر بدنه آن‌ها در قالب اشکال و فرم‌های هندسی (انتزاعی و تجریدی)، در این گروه سبکی قرار می‌گیرد. وجود تزئینی به سبکی خاص ممکن است دال بر زمان، مکان، موقعیت یا طبقه‌ای خاص باشد. از این‌رو عناصر سبکی تابع فرم در شیرهای سنگی و نقوش آن‌ها، صرفاً به حوزه جغرافیایی و طبقه اجتماعی هنرمندان سنگ‌تراش بختیاری اشاره دارد.

سبک‌شناسی در شیرهای سنگی براساس دو مؤلفه عناصر و ترکیب در ریخت (فرم) و نقوش شیرهای سنگی قابل مطالعه، بررسی و تحلیل است که در تصویر دیده می‌شود. در این الگو علاوه بر ریخت و فرم شیرها که از دو سبک انتزاعی و واقع‌گرا (طبیعی همراه با اغراق)

تبعیت می‌کند، عناصر نقوش کنده‌کاری‌شده بر بدنه شیرهای سنگی در قالب دو عنصر خط و (در برخی موارد محدود رنگ) و برای ترکیب نیز افزون بر خط و رنگ، مؤلفه‌های نقش و طرح قابل‌تعریف است؛ بنابراین برمبنای سبک‌شناسی متکی بر فرم‌های هندسی آرایه‌های شیرها می‌توان فرایند معناکاوی نقوش را نیز تعریف و تبیین کرد که در بخش معرفی و تحلیل ذکر شده است. بدین ترتیب نقوش هندسی کنده‌کاری‌شده علاوه بر جنبه زیباشناختی، از وجه نمادین و معناشناختی نیز برخوردارند.



تصویر ۳. سبک‌شناسی ریخت و نقوش شیرهای سنگی بختیاری برمبنای مؤلفه‌های

عناصر و ترکیب

منبع: پژوهشگر

۲. معناشناختی

حوزه معناشناختی و کشف معانی تصاویر و نقوش نمادین یکی از ساحت‌های مهم در مطالعات انسان‌شناسی هنر است. از این‌رو «آنچه برای مردم‌شناس اهمیت دارد، درک معنای شیء در بستر فرهنگ تولیدکننده است. در مطالعه هنر، تحلیل معنا دربردارنده بررسی شکل در زمینه است؛ چرا که شکل تجربه زمینه‌ای را در خود دارد (اسکات‌هوی^۱، ۲۰۰۳: ۲۶۸). چه اینکه بیبویک معتقد است: «شکل‌های هنری به هنرمند تعلق دارند، معانی به اجتماع گسترده‌تری که خواسته‌هایشان مجموعه‌الگوها را ایجاد می‌کند و سپس از قدرت تولید هنرمندان استفاده می‌کند» (بیبویک^۲، ۱۹۶۹: ۱۱). اساس مطالعات بسیاری از انسان‌شناسان «در بعد معناشناسی متکی به پیوند فرم، معنا و کارکرد در بافت تحلیل اجتماع» است (زکریایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۳). نقوش موجود در آثار هنری نظیر آنچه بر بدنه شیرهای سنگی کنده‌کاری شده است، به صورت نگاره‌ای یا شمایی و نیز نمادین، خود را پدیدار می‌کند. گاهی این نقوش نقش «بازنمود پدیده‌ای در عالم بیرون است؛ بنابراین معنای آن، وجه ارجاعی به بیرون دارد و می‌توان آن را کشف کرد، اما در برخی موارد نقش کارکرد تزئینی دارد و معنا در آن‌ها بدون وجه ارجاعی است یا به عبارتی نقش، ماهیت غیرارجاعی دارد؛ بنابراین نباید در دنیای عینی

1.Scott Hoy

2. Biebuyk

به‌دنبال نمونه بیرونی همه نقوش بود» (همان). پژوهشگران برجسته‌ای مانند فورگ و مان، مطالعات مردم‌شناسی خویش را بر محور نظام معناشناختی و پیوند فرم (شکل)، معنا و کارکرد در بافت و فرهنگ جامعه استوار کردند. انتقال و معرفی مفاهیم و معانی نهفته در اشکال و نقوش نمادین در قالب یک نظام معناشناختی (به‌صورت بازنمایی و رجوع به بستر زمینه‌های فرهنگی)، رسالتی است که برعهده انسان‌شناسی هنر است. مقوله هنر «نظام ارتباطی مستقلی است که معنا در آن شکل می‌گیرد. [همچنین] به‌جای تفسیرهای صریح از نقوش و نمادها، باید به آن‌ها به‌عنوان طرح‌های چندارزشی نگریست. این بدان معنا است که معانی خاص آثار و عناصر [نقوش] به زمینه آن‌ها بستگی دارد» (مورفی به نقل از فورگ و مان، ۱۳۸۵: ۳۷). از این‌رو معناشناسی شیرهای سنگی و نقوش آن‌ها، بر دو محور «بازنمایی» و «برمبنای داشته‌ها و زمینه‌های فرهنگی» صورت می‌گیرد.

۲-۱. انواع بازنمایی در شیرهای سنگی بختیاری

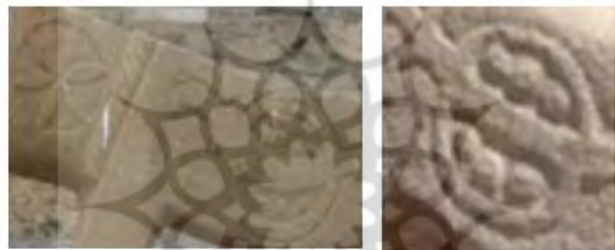
بازنمایی یکی از شیوه‌های کشف معنا در جریان بررسی متن آثار هنری با رویکرد انسان‌شناسی هنر است. این شیوه «در هنر برای انسان‌شناس مشخص می‌کند که هنر چگونه معناها را به رمز درمی‌آورد. همواره میان معنا و روش رمزگذاری یا بازنمایی آن ارتباط وجود دارد. یکی از مهم‌ترین نظام‌های بازنمایی در آثار هنری نظام‌های شمایی و غیرشمایی است» (زکریایی کرمانی، ۱۳۹۴: ۸۳). در شیرهای سنگی، معناشناسی به‌صورت دو نوع بازنمایی، انجام شده است. بازنمایی، به‌صورت انتزاعی و تجریدی (تصویر ۳) از گذشته‌های دور تا تقریباً سه دهه پیش رواج داشته است و هنرمندان از دهه گذشته سعی در احیا و بازآفرینی شیرهای گذشته البته به‌صورت محدود (در بخش شمالی بختیاری‌نشین خوزستان) کرده‌اند. این نوع از بازآفرینی، به‌صورت گسترده در سرتاسر جغرافیای بختیاری مرسوم بوده است. شیرها در این نوع بازنمایی، درنهایت پیراستگی و انتزاع با حداقل آرایه‌ها و نقوش بر بدن آن‌ها و با خلاقیت ذهنی و پویایی تجسم نقش‌پردازی و تولید شده‌اند. خاستگاه این نقوش و الگوی نخستین آن‌ها، تصاویر و شمایل بیرونی و عالم خارج بوده است که منبع الهام هنرمند سنگ‌تراش شده است. نوع دوم بازنمایی، به‌صورت رئال، طبیعی و واقع‌گرا (تصویر ۴) و البته همراه با اغراق است که قریب به دو دهه در فرهنگ سوگواری بختیاری و سنگ‌مزارهای بزرگان، جوانان و مشاهیر این قوم استوار می‌شود. در حقیقت هنرمند حجار، با تکیه بر ابتکار ذهنی (تجسم و تخیل)، تصاویر واقعی و بیرونی را به نقوشی با فرم انتزاعی و تجریدی و معنایی نمادین تبدیل کرده است که نه‌تنها تزئین و آراستگی، بلکه تجلی معناهای باورهایی است که با زبان نقش و تصویر تصمیم بر شرح و تفسیر آن‌ها گرفته است و از این‌رو می‌توان برای آن معنایی یافت. از این رهگذر، نقش

انتزاعی و تجریدی نظیر تعداد دایره‌ها (تصویر ۵) که نمادی از عمر متوفی هستند، اشارتی نمادین و معنایی ضمنی و زیرین دارند.



تصویر ۴. بازنمایی شیرها در قالب انتزاعی و طبیعی

منبع: <http://img.nody.ir>



تصویر ۵. تصویر دایره‌ها نمادی از سن و عمر متوفی

منبع: <http://trpyab.com>؛ قنبری، ۱۳۹۹: ۲۶

شایان ذکر است که همیشه در فرایند نقش‌پردازی، پدیده بازنمایی، دریافت معنا و ارجاع به مفاهیم گذشته صورت نمی‌گیرد. از این رو ممکن است نقوش، صرفاً کارکرد تزئینی داشته باشند و معنا در آن‌ها بدون وجه ارجاعی باشد؛ بنابراین نباید در همه شیوه‌های بازنمایی به دنبال مصداق بیرونی نقش بود و این نکته درباره شیرهای سنگی و نقوش کنده‌کاری بر آن‌ها مصداق دارد. بر این مبنا، شیرها و نقوش آن‌ها بستری برای بیان و بازنمایی اندیشه، عقاید و باورهای هنرمند حجار است که به صورت یک سنت تقریباً ثابت و تغییرناپذیر استمرار یافته است؛ بنابراین در این شیرها، کشف و ظهور معنا به وسیله نقوش در دو ساختار غیرشمایلی (برگرفته از تصویر یا مصداق بیرونی) و شمایلی (طبیعی و واقع‌گرا)، صورت گرفته است. انسان‌ها همواره به دنبال راهی برای ثبت و انتقال عقاید، باورها و احساسات و اندیشه‌های خود بودند و تا قبل از اختراع خط، از زبان تصویر و نقوش تصویری استفاده می‌کردند. نشانه‌های تصویری و نمادها همواره حامل مفاهیمی هستند که نگرش و اعتقادات قوم و سرزمین را بیان می‌کنند.

بدین ترتیب با کسب شناخت و معرفت به معنا و محتوای این نقوش می‌توان به گنجینه معارف از [قوم بختیاری] و مناطق مختلف دست یافت (شیرانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۳). عناصر فرهنگی نظیر «سنت، تقلید و آداب‌ورسوم عناصری هستند که در طراحی شکل اهمیت دارند و به‌صورت موروثی، فرم‌ها و شکل‌ها و حتی نقش‌مایه‌ها نسل به نسل انتقال می‌یابد و به‌عنوان یک سنت خاص زیبایی‌شناختی حفظ می‌شود» (پیشین: ۷۴). از این رهگذر، آثار هنری سنگی (شیرهای سنگی و سنگ مزارها)، در جامعه بختیاری «به‌مثابه یک کل معناشناختی وابسته به دانش و شناخت بومی» (سیلور^۱، ۱۹۷۹: ۲۶۸) است که «معنا و مفهوم آن برای اعضای آن فرهنگ اهمیت بسزایی دارد. از این‌رو تحلیل شکل موضوعی محوری در مطالعات هنر به‌طور عام و خاصه انسان‌شناسی هنر است» (شیرانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۴).

۳. کارکرد

وجه کارکردشناختی، مؤلفه دیگری در منظومه انسان‌شناسی هنر است که در شیرها و نقوش آن‌ها قابل‌رصد است. در این بعد باید به‌دنبال پاسخگویی به این پرسش بود که استفاده‌ی شیء (اثر هنری)، کاربرد آن، نتایج آن در بستر و زمینه فرهنگی که در آن خلق شده است و قرار دارد چیست. بر این مبنا مورفی معتقد است نباید انتظار داشت که ویژگی‌های صوری و مادی شیء با کاربرد آن در همه زمینه‌ها ربطی داشته باشد، اما دست‌کم چنین سؤالی باید مطرح شود و چنانچه پاسخ آن منفی بود، باید دلایل دیگری برای کاربرد شیء در آن زمینه خاص یافت شود (مورفی، ۱۳۸۵: ۳۹). باید گفت «در دنیای سنت، همه محصولات در حیات مادی و معنوی انسان دخیل هستند. به عبارت صریح‌تر هیچ شیء بی‌مصرف و بی‌کاربردی در جوامع سنتی خلق نمی‌شود. همه اشیا در زندگی انسان جایگاهی دارند و به‌نوعی مصرف می‌شوند. جامعه [بختیاری] نیز یک جامعه سنتی است؛ جامعه‌ای که همه عناصر آن با انسان [بختیاری] ارتباط تنگاتنگی دارند» (زکریایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۱). براین‌اساس، همه آثار سنگی، دارای کاربردهای مادی و معنوی هستند؛ اگرچه شیرها به‌طور استثنا دارای کاربردهای معنوی (نمادین و آیینی) هستند. بسیاری از مؤلفه‌ها و عوامل، در تعیین ابعاد «کارکردی» اشیای هنری به‌طورکلی و شیرهای سنگی به‌طور خاص دخیل هستند که از آن جمله می‌توان به آیین‌ها و دین و مذهب، اندیشه و نگرش قومی، اساطیر و افسانه‌ها اشاره داشت. از دیگر کارکردهای شیرهای سنگی علاوه بر کارکرد زیباشناختی و معناشناختی، کارکرد هویتی است. از این جهت که این آثار با ساختار متفاوت طراحی و نقش‌پردازی منحصربه‌فرد خویش، نمودی از هویت هنری بختیاری است.

شیر، نماد ملی ایرانیان

شیر از دیرباز مورد توجه بوده و جایگاه خاصی در میان باورهای انسانی داشته است. شیر در هنر و فرهنگ بسیاری از ملت‌ها نماد شجاعت، قدرت، دلاوری، آتش، خورشید، پیروزی، روح زندگی، سلطنت، عقل، غرور، مراقبت و محافظت شناخته شده است. «شیر در ایران مظهر میترا، خورشید، گرما، تابستان، شجاعت، سلطنت، قدرت، نور و آتش است. شیر در بسیاری از نقوش ایران، به‌عنوان نیروی شر شکار می‌شود. به عبارت دیگر، پادشاهان نبرد با شیر را نماد قدرت و غلبه بر شر می‌دانستند» (جابز، ۱۳۷۰: ۶۱) و در برخی از نظرگاه‌ها «نگهبان نمادین پرستشگاه‌ها، قصرها و آرامگاه‌ها بودند و تصور می‌رفت درنده‌خویی آن‌ها موجب دورکردن تأثیرات زیان‌آور می‌شد (هال، ۱۳۸۰: ۶۱). وجود این نماد بر سنگ‌مزارهای بختیاری را می‌توان به‌گونه‌های مختلفی بررسی کرد: ۱. مظهر مرگ، ابدیت و جاودانگی: شاید بتوان نقش شیر را با زروان (خدای زمان) ارتباط داد. از آن جهت که شیر قدرت فائقه‌ای در امر کشتن دارد و سر زروان خدای زمان را نیز به‌صورت شیر کشیده‌اند که نمادی از قدرت مرگ‌آور زمان است، «شاید بتوان شیر را در ارتباط با خدای زمان، نماد جاودانگی در زمان بی‌پایان دانست» (خودی، ۱۳۸۵: ۱۰۰)؛ ۲. نشانهٔ محافظت و نگهبان: در آیین میترائیسم، خورشید همان مهر و شیر هم نگهبان میترا است و مقام والایی دارد؛ بنابراین نماد شیر و خورشید که طی سالیان دراز به‌صورت‌های مختلف در میان بسیاری از آثار هنری باقی مانده، نمایانگر باوری است که شیر را به‌عنوان نگهبان و محافظ تلقی می‌کرده‌اند. «شیر در میان ملل مختلف به‌عنوان نگهبان پرستشگاه‌ها، مقبره‌ها و آرامگاه‌ها استفاده و تصور می‌شده که درنده‌خویی این حیوان موجب دورکردن تأثیرات زیان‌آور باشد» (هال، ۱۳۸۰: ۶۱)؛ ۳. نماد شجاعت و دلاوری: نصب شیر سنگی روی مزارها با توجه به منع دستورات دینی در منع استفاده از مجسمه، مطمئناً به گذشته‌های دور برمی‌گردد، ولی بعد از اسلام در ایران، دامنه‌های زاگرس همان‌گونه که زادگاه شیر ایرانی بوده است، زادگاه و خاستگاه این‌گونه مجسمه‌ها است که سرتاسر جغرافیای قوم لر و به‌طور خاص بختیاری را دربرمی‌گیرد. علاوه بر مناطق لرنشین، در استان فارس و در چند نقطه از شهر اصفهان نیز شیر سنگی از دوران صفوی دیده می‌شود^۱.

جایگاه شیر و شمایل آن در انواع هنرهای بومی ایران

شیر به‌عنوان یکی از حیوانات شناخته‌شده در طبیعت، در ابعاد مختلف زندگی بشر همواره حضور داشته است و در شکل‌گیری ابعاد تمدنی، فرهنگی و هنری او نقش سازنده و برجسته‌ای دارد.

۱. یکی در گوشهٔ پل خواجه و دیگری در محلهٔ بیدآباد که محل سکونت بختیاری‌های کوچانیده‌شده از دیار بختیاری به اصفهان در دوران صفوی و شاه‌عباس است؛ خانوارهایی که امروزه با نام شیروانی، شیرگانی، شیران، شیرانی و استکی شناخته می‌شوند.

شیر و جایگاه نمادین آن سهم پررنگی در به‌وجود آمدن باورها و عقاید، نجوم و هنر و انواع آن نظیر پیکرتراشی، قالی‌بافی (قالیچه‌های شیری عشایری فارس)، فلزکاری و... و همچنین استمرار زندگی انسان و به‌طور خاص انسان شرقی (ایرانی و مسلمان) دارد. در تصویر ۶، اشکالی از نقش شیر در زمینه قالیچه‌ها و گبه‌های شیری فارس با هنرمندی خاص بافته‌ها آفریده شده است.



تصویر ۶. قالیچه‌های شیری فارس - قضاچی

منبع: <http://pinterest.com>

پیدایش شیرسنگی و جغرافیای آن

پس از اسلام و در عهد صفوی، با روی کار آمدن مذهب شیعه، جایگاه نمادین و آیینی شیر بیش از پیش مورد توجه هنرمندان و حجاران پیکرتراش در آثار هنری واقع شد و به‌سبب علاقه به شخصیت والای حضرت علی (ع) و خصلت‌های نیک آن حضرت مانند پهلوانی، شجاعت و قدرت، نماد و نمود آن امام بزرگوار شد. ضمن آنکه ظهور شیر سنگی هم در جغرافیای بختیاری به گواهی قدیمی‌ترین نمونه آن، در عصر صفوی است. «اینکه تاریخ و پیشینه این هنر و نماد حماسی از چه زمانی بوده، پرسش مهمی است که ذهن پژوهشگران را به خود مشغول کرده است، اما از دوره‌های صفویه، افشاریه و زندیه تاکنون شیرهای سنگی را در مناطق بختیاری نشین می‌بینیم» (قنبری، ۱۳۹۰: ۱۰۵). اشاره‌های جهانگردان فرنگی در عصر صفوی از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین اسناد مکتوب در مورد پدیدار شدن شیر سنگی بر مزارها است. «روی مزار پهلوانان، پیکره درشت شیر را جا می‌دهند و همچنین شمشیری در کنار آن قرار می‌دهند. دهان شیر باز است و در آن سر انسانی دیده می‌شود» (دومان به نقل از ماسه، ۱۳۸۷: ۱۸۸) (تصویر ۷). حضور و زادگاه اصلی شیرهای سنگی، دامنه‌های زاگرس (چهارمحال و بختیاری، خوزستان و کهگیلویه و بویراحمد)، فارس، اصفهان (فریدن^۱ و دولت‌آباد)، آذربایجان در ایران،

۱. ساکنان فریدن بختیاری، ترک و گرجی هستند. بخش بختیاری‌نشین فریدن، شهرستان فریدون‌شهر است که شیرهای سنگی دارد.

ارمنستان و آذربایجان دانست، اما «منطقه بختیاری از لحاظ شیرهای سنگی غنی‌ترین منطقه ایران است و بیشترین شیرهای سنگی نیز در این منطقه ساخته شده است» (تناولی، ۱۳۵۶: ۶۶). ضمن اینکه در قهرود^۱ (نزدیک کاشان) و مشهد^۲ نیز شیر سنگی وجود داشته است، اما به لحاظ کمی، تجمع شیرهای سنگی را باید زاگرس مرکزی، منطقه بختیاری و فارس به حساب آورد و این درست با زادگاه شیر ایرانی مطابقت دارد» (تناولی، ۱۳۸۸: ۱۲). مطابق اشاره‌های تاریخی «دامنه‌های زاگرس در فارس و بختیاری از دیرباز زادگاه شیر ایرانی بوده است» (همان: ۱۸). در فارسنامه ابن‌بلخی، قدیمی‌ترین سند جغرافیایی فارس، از کامفیروز و دشت ارژن به‌عنوان «معدن شیر» یاد شده است.^۳ همچنین اشاره‌های جهانگردان غربی مبنی بر وجود شیر در زاگرس و به‌ویژه خوزستان، از اهمیت زیادی برخوردار است.^۴ همان‌گونه که اشاره شد، شیرهای سنگی در سرزمین بختیاری و در گستره چهار استان خوزستان، چهارمحال و بختیاری، فارس و کهگیلویه و بویراحمد قرار دارند، اما «بیشترین تجمعشان در دو استان نخست است. ضمن اینکه در شهرکرد (دهکرد) مرکز استان چهارمحال و بختیاری که از دیرباز سکونتگاه خوانین بختیاری بوده، شیرهای بسیاری وجود داشت که با گسترش شهر و تخریب مزارگاه‌های قدیمی به‌جز چند شیر که به موزه قلعه چالستر^۵ و شهرداری شهرکرد (شیر متعلق به پهلوان نامی شهر-شیرغلام)، منتقل شدند، چیز دیگری باقی نمانده است. علاوه بر شیر، ساخت و پیکره‌تراشی کوچ‌های سنگی نیز رواج داشت که نمونه آن به‌همراه شیرها در قلعه یادشده موجود است» (تناولی، ۱۳۸۸: ۲۷) (تصویر ۸). در میان شیرهای یادشده شیری وجود دارد که روی یک پهلوی آن چهار بته‌جقه بزرگ، مردی با شمشیر و یک اسب‌سوار حجاری شده است که در میان دو بته‌جقه، نام شخصی با عنوان «بازعلی برجویی» و در میان دو بته دیگر، تاریخ «فی‌الشهر جمادی‌الثانی» قرار دارد. در پهلوی دیگر چهار بته‌جقه حجاری شده نام و تاریخ وفات متوفی و واژه‌های دیگری قرار دارد که ناخوانا است (تصویر ۹). همچنین بر گرده شیر دیگری ادامه دم حیوان و در دو طرف دم، تاریخ ۱۲۷۹ هجری قمری و عبارت

۱. هوتوم شنیدلر (۱۳۸۷). معتقدات و آداب ایرانی، ص ۱۹۱.

۲. سر پرسی سایکس در کتاب تاریخ ایران، ترجمه سید محمدتقی فخرداعی گیلانی، جلد دوم، ص ۴۸۸.

۳. ابن‌بلخی (۱۳۶۶). فارسنامه، به‌کوشش گای لیسترنج و رینولد آلن نیکلسون، تهران، ص ۱۲۴ و ۱۵۴.

۴. مادام دیولافوا (۱۳۳۲)، سفرنامه مادام دیولافوا: ایران و کلد، ترجمه بهرام فره‌وشی، تهران، ص ۶۷۳-۶۷۴، همچنین سر اوستن هنری لایارد (۱۳۶۷). سفرنامه لایارد یا ماجراهای اولیه در ایران، ترجمه مه‌راب امیری، تهران، ص ۱۳۴. آرنولد ویلسن (۱۳۴۷)، سفرنامه ویلسن یا تاریخ سیاسی و اقتصادی جنوب غربی ایران. ترجمه و تلخیص حسین سعادت نوری، تهران، ص ۹۵.

«محمدحسین» به‌عنوان امضا و رقم هنرمند سنگ‌تراش و روی یکی از ران‌های آن، اسلحه‌ای کمری، حجاری و کنده‌کاری شده است (تصویر ۱۰).



تصویر ۷. شیر سنگی در اصفهان با سری از انسان در دهان

منبع: <http://blog.rahbal.com>



تصویر ۸. شیر و قوچ‌های سنگی در قلعه چالستر

منبع: پژوهشگر



تصویر ۹. شیر سنگی موجود در قلعه چالستر با نقش بته‌جقه، مرد اسب‌سوار و مردی با

شمشیر

منبع: پژوهشگر



تصویر ۱۰. تاریخ و امضای حجار، بخشی از دم و اسلحه کمری بر گرده و ران شیر

منبع: پژوهشگر

علاوه بر دامنه‌های زاگرس و مناطق لرنشین و بختیاری که مرکز تجمع شیرهای سنگی است، مناطق مرکزی نظیر اصفهان هم به‌عنوان پایتخت ایران عصر صفوی، دارای شیرهای سنگی بااهمیتی است؛ شیرهایی که در مقایسه با شیرهای بختیاری از ظرافت و نازک‌کاری و تزئین بیشتر (کتیبه‌نگاری، نقش‌پیچک‌های اسلیمی، گل‌بوته‌های انتزاعی، شمشیر، طوق، تفنگ، طپانچه، خنجر و ابزار زورخانه شامل کباده، سنگ و میل به‌عنوان نمادهای پهلوانی) و باکیفیت‌تری برخوردار است. «شیرهای صفوی [در اصفهان] دارای خطوطی نرم و بدنی صیقل داده شده‌اند. بر روی یک پهلوی اکثر آن‌ها ابزار رزمی چون خنجر، شمشیر، تفنگ و طپانچه (تپانچه) و در پهلوی دیگر، دم بلند شیر نقش شده است. دهان همه شیرها باز است و در دهان آن‌ها سر مردی دیده می‌شود» (تناولی، ۱۳۸۸: ۲۵).

جایگاه شیر در گستره فرهنگ بختیاری

شیر در گستره تمدن ایرانی و اسلامی، همواره یکی از عناصر آیینی و نمادین در هنرهای ایرانی خود را جلوه‌گر ساخته است. از نقش برجسته‌ها، جام‌ها و الواح تمدن‌های باستانی، منسوجات، و قالی‌های شیری و شکارگاهی گرفته تا شیرهای سنگی استوار بر مزار مردان نام‌آور بختیاری. مردمان بختیاری با عنایت به این بینش، شیر را به‌عنوان برجسته‌ترین نماد و سمبل آیینی-حماسی خود پذیرفته و عرضه داشته‌اند. «حجاری و نقشینه‌های مزین به شیر، نشانه ذوق، فکر و احساس این قوم به هنر است که بدون پیرایه و درنهایت سادگی و شیوایی متجلی شده و بر طبیعت و اندیشه جمعی ایشان استوار است. بختیاری‌ها با تکیه بر همین واقع‌نگری و ساده‌زیستی، با رهاکردن این سمبل از قیدوبند نمادهای درباری سلطنتی و مکتب‌های مصور توانستند این سمبل مقتدر را به‌عنوان نماد خود برگزینند؛ هنری که به طبیعت وابسته است و سادگی، وقار و خشونت را در هم می‌آمیزد؛ بنابراین منشأ شیرهای سنگی و بافته‌های منقش به شیر را می‌توان در همان سنت دیرین و باستانی جست‌وجو کرد. بدین‌صورت، در زمینه‌های دیگر در فرهنگ این قوم رسوخ کرده و به نحو اصالت‌مندی احیا شده است» (گهستونی، ۱۳۹۶). شیر در گستره فرهنگ بختیاری از جایگاه والایی برخوردار است؛ به‌گونه‌ای که در ابعاد مختلف فرهنگ بختیاری نظیر زبان و ادبیات، باورها و اساطیر، نام‌گذاری و هنر نمودی خاص دارد؛ برای مثال، «در نام‌گذاری مردم بختیاری نیز، واژه شیر یکی از اجزای اسم‌های ترکیبی است که از آن جمله می‌توان به شیرمحمد، شیرعلی، شیرحسین، آقاشیر، علی‌شیر، شیردل و... اشاره داشت» (قنبری، ۱۳۹۰: ۱۰۸). همچنین در بسیاری از اشعار و ضرب‌المثل‌های بختیاری، استفاده از واژه شیر بسیار دیده می‌شود. «حسین پژمان بختیاری، شاعر نامدار ایرانی و بختیاری، در شعر بسیار زیبا و دلنشینی با آوردن تمثیل شیری که تیر خورده است و آخرین

لحظه‌های زندگی را در دامنه زردکوه با تاسی از گذشته پرافتخار خود «ایستاده» می‌گذراند، چنین می‌سراید:

ای گرفتار زندگی و مرگ پند از آن شیر تیرخورده بگیر
گر میسر شود، چو شیر بزی ور میسر نشد، چو شیر بمیر (همان)

یا قطعه بردشیر از غلام‌علی بهرامی آسترکی (۱۳۹۴) در کتاب چویل دم برف که چنین سروده است:

شیر نر ای مانده بر شیران جنگی، بردشیر ای نماد ایلم از پارینه‌سنگی، بردشیر
حک شده بر گردهات نقشی ز برنوه‌های ایل، تا مگر بنگی برآید از تفنگی، بردشیر
ساده‌ای چون شیرهای ساده، خفته زیر خاک مثل مردانی که دورند از دورنگی، بردشیر
وارث زخم عمیق جنگ‌های ایل من سوخته از آتش هر دنگ‌وفنگی، بردشیر
مات و مبهوت‌اند همه گوهرشناسان جهان از نگینی مثل تو با این قشنگی، بردشیر
من به تو می‌نازم ای سنگ گور من شیر نر ای مانده بر شیران جنگی، بردشیر

همچنین در ضرب‌المثل‌های بختیاری هم واژه شیر حضوری جدی دارد. «شیر به بیشه بو خواه نر، خواه ما» به معنای (شیر در بیشه (کنایه از سنگر خانواده) باشد، چه نر (مرد) باشد چه ماده (زن)) (قنبری، ۱۳۹۰: ۱۰۸). در حوزه سینما نیز باید به فیلم شیر سنگی (مسعود جعفری جوزانی، ۱۳۶۵)، مستند شیر سنگی (مهوش شیخ‌الاسلامی)، مستند سرزمین شیرهای سنگی (محسن فارسانی) و مرگ پلنگ (فریبرز صالح، ۱۳۶۸) اشاره داشت. در کتاب نماد در فرهنگ بختیاری نوشته حسین مددی از قول لایارد (جهانگرد بریتانیایی) آمده است: «بختیاری‌ها معتقدند شیرها به دو نوع مسلمان و کافر تقسیم می‌شوند: نوع اول دارای رنگی گندمگون و زرد روشن و نوع دوم قهوه‌ای‌رنگ با یال و پشت سیاه. آنان معتقدند که اگر کسی مورد حمله شیر مسلمان واقع شود، باید کلاه خود را از سر بردارد تا در امان باشد، اما اگر شیر کافر باشد، توجه نخواهد کرد» (قنبری عدیوی، ۱۳۹۲: ۶۵).

شیر سنگی بختیاری

شیر سنگی (بردشیر و شیر بردی)^۱، یکی از نمادی‌ترین عناصر فرهنگی و هنری بختیاری است که کاربردی آیینی، اعتقادی و حماسی دارد و نماد شجاعت و دلاوری مردان بختیاری است. از

1. barde shir, Shire bardi (در گویش بختیاری، برد یعنی سنگ)

گذشته‌های دور روی مزار مردان بزرگ و شجاع، کلانتران و جوانان بختیاری شیر سنگی قرار می‌دادند تا به‌تنهایی منبعی برای یادآوری پایمردی‌های وی و ماندگاری در خاطر و مهم‌تر از آن، جلب‌توجه آیندگان به رشادت‌های مرد خفته باشد و این فلسفه شکل‌گیری و تولد شیر سنگی است. شیر سنگی «نماد هنری و حماسی بختیاری‌ها است که با پشتوانه فرهنگی و شکوه دیرین شیر در فرهنگ‌عامه، فرهنگ آسیایی و ایرانی تجلی ویژه‌ای یافته است. این نماد هنری-فرهنگی را بر آرامگاه بزرگان نام‌آور و جوانمردان ایل می‌نهند» (قنبری‌عدیوی، ۱۳۹۰: ۱۰۱). این عنصر نمادین امروزه یکی از آشکارترین نمادهای فرهنگی و هویت قومی بختیاری محسوب می‌شود. استوارکردن شیر سنگی بر سر مزار بزرگان و مردان برجسته تیره، طوایف و ایل، یکی از آیین‌های دیرین قوم بختیاری است. «یکی از آیین‌های موجود در فرهنگ و بینش بختیاری‌ها، برپاداشتن شیر سنگی بر مزار چهره‌های ماندگار، سرشناس، کلانتر، بزرگ و بنام ایل، پیران، جوانان و نوجوانان قابل و شایسته ایل قرار می‌دهند» (پیشین: ۱۰۴). این تندیس «در فرهنگ مادی و معنوی و در گستره خاک بختیاری جایگاه ویژه‌ای دارد. اگرچه نمادهای سنگی و به‌خصوص شیر ایرانی بوده و قومی محض نیستند، لیک در بیشتر ویژگی‌ها در جغرافیای بختیاری^۱ یکسان و ویژه شده‌اند» (قنبری‌عدیوی، ۱۳۹۳: ۱۱). تندیس شیر سنگی نماد یادبود جان‌فشانی‌های آتش‌نشانان قهرمان در حادثه ساختمان پلاسکو، به‌عنوان نماد شجاعت، هدیه‌ای از طرف قوم بختیاری است که توسط هنرمند علی نودری از مجسمه‌سازان این قوم در شهرکرد، حجاری و در میدان حسن‌آباد به یاد قهرمانان نصب شد (تصویر ۱۱). همچنین در تصویر ۱۲، انواع شیرها را در شمایل‌های مختلف می‌توان دید که روی مزارهای بزرگان از گذشته‌ها استوار به نگهبانی مانده‌اند.



تصویر ۱۱. شیر سنگی نصب‌شده در میدان حسن‌آباد، هدیه قوم بختیاری

منبع: <https://irinn.ir/fa/ne>

۱. شامل استان‌های چهارمحال و بختیاری، لرستان، خوزستان و بخش‌هایی از استان‌های اصفهان و مرکزی.



تصویر ۱۲. انواع شیر سنگی بختیاری در شکل‌های مختلف و متنوع در جغرافیای بختیاری

منابع: پژوهشگر، آرشیو مهدی قنواتی، آرشیو محمدعلی سلیمانی،

<http://persiangraphic.com> <http://en.tripyar>

باورهای مردم‌شناختی بختیاری در مورد شیر سنگی

درباره بردشیر در زندگی، فرهنگ و باورهای بختیاری، موارد بی‌شماری ذکر شده است، اما برخی از مهم‌ترین و برجسته‌ترین آن‌ها در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. باورهای بختیاری در مورد شیر سنگی

تکریم	نباید به شیر سنگی بی‌احترامی کرد، آن را انداخت یا جابه‌جا کرد؛ زیرا یک نفر از فامیل شخصی که این کار را انجام دهد، خواهد مرد.
حرمت	نان را از روی زمین بردارید و بر بلندی یا میان سنگ‌ها (کنار شیر سنگی) قرار دهید تا رزق شما کم نشود (حرمت نان حفظ شود).
دخیل‌بستن	همان‌گونه که به ضریح امام‌زاده‌ها یا شاخه برخی درختان مانند کنار، سیستن، سنجد و... پارچه نذر می‌بندند، به شیر سنگی هم دخیل می‌بندند تا حاجت‌خواهی کنند.
زنده‌پنداری	روح صاحب شیر سنگی همیشه در کنار او است و نباید آن را آزرده؛ زیرا سبب آزرده شدن روح مردگان می‌شود.
سلامت‌خواهی	آب باران، زیر پیکره شیرهای سنگی، برای سلامتی و رفع بیماری شفابخش است. جلوی دست‌های شیرسنگی و روی تخته‌سنگ زیرین کاسه‌ای درست می‌کنند که با سنت کوزه‌گذاشتن بر پشته خاک مردگان همسانی دارد. به نیت رفع بیماری‌های کودکان، بزرگسالان و زنان را از زیر شکم شیرسنگی می‌گذرانند تا تندرست شوند.
صیادی (شکار)	صیادی یکی از حرفه‌های مهم مردان بختیاری است. شکارچیان برای کسب روزی و به‌دست‌آوردن شکار خوب، تفنگشان را به شیر سنگی می‌زنند یا از زیر آن عبور می‌دهند و بعد به کوهستان می‌روند.

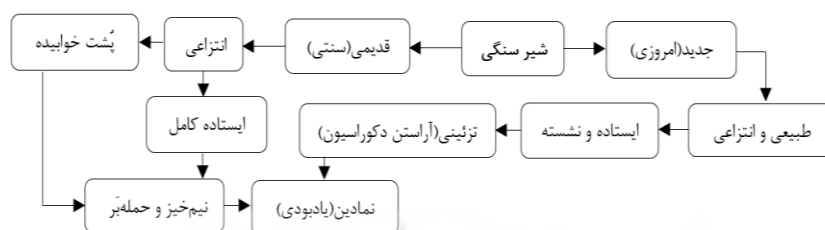
<p>زنانی که صاحب فرزند نمی‌شوند سه هفته پشت سر هم، سه‌شنبه‌ها عصر از زیر شکم شیرسنگی شهید عبور می‌کنند و سه بار پیاپی این حرکت را انجام می‌دهند. عروس را هنگام بردن به خانه بخت، بر گرده شیرسنگی سوار می‌کنند تا پسرانی شجاع و شیرگونه به دنیا آورد.</p>	<p>فرزندآوری</p>
<p>خواهر، مادر و همسر مرده مقداری از گیسوان (پل) خود را می‌برند و به شیرسنگی می‌بندند. این کار اوج اندوه و غمگساری بر درگذشتگان است. پل‌بریدن در بختیاری با آیین‌های مشابه در شاهنامه پیوستگی دارد و از دیرینگی این سنت ایرانی سخن دارد.</p>	<p>گیسو بستن</p>
<p>مردان بزرگ و جنگاور ایل، اسب‌ها را در شب یا هنگام طلوع خورشید، از کنار شیرهای سنگی عبور می‌دهند تا ترسشان بریزد و برای نبرد و تاخت‌وتاز در میدان رزم شجاع شوند.</p>	<p>محک شجاعت</p>

منبع: قنبری، ۱۳۹۹: ۳۷-۳۹

شیرهای سنگی قدیمی و امروزی

شیرهای سنگی از بدو تولد تا امروز، درگذر زمان دچار تغییر و تحولات شکلی ناشی از فرسایش، ناپدیدشدن بر اثر دزدی یا تخریب به دلیل عوامل انسانی شدند و در این گذار شیرها مورد بی‌توجهی جامعه قرار گرفتند. از دوران پهلوی دوم و بعد از انقلاب، فرهنگ ساخت و استوارکردن شیر بر مزارها به دلایل مختلف (نگاه و نگرش سیاسی، ازبین‌رفتن کاربرد حرفه حجاری و بالابودن هزینه ساخت)، به فراموشی سپرده شد، اما تقریباً از دهه پیش (دهه هشتاد شمسی) دوباره آفرینش شیرسنگی آغاز شد. از این رهگذر، شیرهای سنگی در گذر تاریخ به دو دسته تقسیم‌بندی می‌شوند: ۱. شیرهای قدیمی یا سنتی و شیرهای جدید یا امروزی (تصویر ۱۳). در این تقسیم‌بندی شیرهای قدیمی و امروزی تفاوت‌های برجسته‌ای با یکدیگر دارند که چشمگیرترین تفاوت، در ریخت و شمایل شیرها مشاهده می‌شود. شیرهای قدیمی و سنتی در سرتاسر خاک بختیاری بدون استثنا دارای فرم و شکل انتزاعی و غیرواقعی و همگی به شکل ایستاده کامل یا در موقعیت نیم‌خیز و حمل‌بر هستند. نکته مهم در شکل شیرهای قدیمی و انتزاعی این است که حالت نشسته یا خفته وجود ندارد (تصاویر ۱۴ و ۱۵). «با بررسی دهها نمونه قدیمی و سنتی در سراسر خاک بختیاری، هیچ شیری به حالت نشسته یا خفته دیده نشد» (قنبری عدیوی، ۱۳۹۳: ۷۱)، اما شیرهای امروزی و معاصر دارای شمایلی طبیعی (واقعی یا رئال‌گونه)، اغراق‌آمیز و بزرگ‌جثه، و در دو حالت ایستاده و نشسته هستند (تصویر ۱۶). درباره ظهور شیرهای امروزی و طبیعی، اگرچه نمی‌توان به‌صراحت دلیل خاصی را عنوان کرد، می‌توان به دلایلی نظیر نگاه و بینش هنرمندان امروزی، خواست و تمایل خانواده سفارش‌دهنده و مهم‌تر از آن‌ها، نیاز به جست‌وجوی هویت و تداعی این پدیده در قالب شیرهای واقعی و نه

انتزاعی اشاره داشت. کانون‌های برجسته تولید شیر سنگی در جغرافیای بختیاری عبارت است از: هفشجان، فارسان و شهرکرد در استان چهارمحال و بختیاری، الیگودرز^۱ در شرق استان لرستان، و دشت سوسن و ایزه در استان خوزستان. این مناطق از گذشته در تولید و تراش شیر سنگی فعال بوده‌اند. خوزستان به دلیل فراوانی و پراکندگی شیرهای سنگی که از گذشته‌های بسیار دور در این منطقه وجود داشته، به موزه روباز شیرهای سنگی معروف است.



تصویر ۱۳. طبقه‌بندی شیر سنگی از منظر شکل (ریخت)

منبع: پژوهشگر

استاد ابراهیم موسوی، زنده‌یاد برزو سعیدی و حاج‌قلی جمشیدی از هنرمندان شیرتراش در استان خوزستان هستند که آثار ارزشمندی را بر مبنای خلاقیت و رجعت به گذشته خلق کرده‌اند (تصاویر ۱۷ و ۱۸). علاوه بر مناطق یادشده، دولت‌آباد در شمال اصفهان و شهرکرد نیز در تولید شیر سنگی فعال است (تصویر ۱۶). رنگ سنگ و شیرهای ساخته‌شده این منطقه و همچنین شیرهای ساخته‌شده شهرکرد، خاکستری متمایل به آبی است، اما رنگ شیرهای سنگی قدیمی و همچنین شیرهای امروزی حاصل از مهارت هنرمندان خوزستان، سفید، کرم یا خاکی‌رنگ است (تصاویر ۱۷ و ۱۸).



تصویر ۱۴. شیرهای سنگی قدیمی و انتزاعی در حالت ایستاده کامل، نیم‌خیز و حمله‌بر

منبع: پژوهشگر

۱. شهرستان وسیع الیگودرز اگرچه جزئی از استان لرستان است، منطقه‌ای بختیاری‌نشین و شامل طوایف زلکی (زلکی)، سرلک و بساک است.



تصویر ۱۵. شیرهای سنگی قدیمی و انتزاعی در حالت پشت خوابیده، نیم‌خیز و حمله‌بر

منبع: <http://cdn-tehran.wisgoon.com>



تصویر ۱۶. شیرهای امروزی، نشسته و ایستاده (دولت‌آباد و شهرکرد)

منبع: پژوهشگر



تصویر ۱۷. شیرهای سنگی امروزی بر مبنای خلاقیت و الهام از گذشته، خوزستان؛ راست:

اثر هنرمند برزو سعیدی؛ چپ: اثر حاج‌قلی جمشیدی

منبع: <http://taryana.ir>؛ <http://asreizeh.com>



تصویر ۱۸. شیرهای سنگی امروزی بر مبنای خلاقیت و الهام از گذشته، خوزستان اثر

هنرمند ابراهیم موسوی

منبع: <http://taryana.ir>؛ <http://bistoonizeh.loxblog.com>

شیرهایی که امروزه ساخته می‌شوند، در شکل‌های انتزاعی و طبیعی هستند؛ شیرهای جدیدی که با الهام از شیرهای قدیمی و بر مبنای خلاقیت و نوآوری هنرمندان خلاق در

جغرافیای بختیاری (چهارمحال و بختیاری و خوزستان) تراشیده می‌شوند. هنرمندان در تراش شیرها، از قوه تخیل، ذوق و استعداد، و مهارت خویش بهره می‌برند و آثاری را خلق می‌کنند که در مقایسه با آثار قدیمی از فرم و ابعاد زیباشناختی بهتر و بیشتری برخوردارند. تولید و استقرار شیرهای جفتی (دوتایی) و همچنین نقوش گیاهی و گل‌وبوته‌ها، نمونه دیگری از خلاقیت شیرتراشان امروزی است (تصویر ۱۹). شیرهای سنگی امروزی چه طبیعی و چه انتزاعی، در مقایسه با شیرهای قدیمی، دارای تزئینات و جزئیات کمتر و شمایل کوچک‌تری هستند. شمایل نشسته در این نوع از شیرها، از دیگر تغییراتی است که در بازتولید شیرهای انتزاعی قدیمی و طبیعی امروزی اتفاق افتاده است؛ چه اینکه برخی از شیرها به سلیقه هنرمند نیمه‌طبیعی و انتزاعی هستند و هنرمند فارغ از هر قاعده‌ای، هر نوع شیری را با شماییلی برمبنای تخیل، ذوق و خلاقیت خویش یا به سفارش خانواده متوفی حجاری می‌کند. حجار و هنرمند در شیرهای امروزی، علاوه بر فرم و نقش‌مایه‌های تزئینی و شمایل فانتزی، از عنصر رنگ نیز بهره برده است. برخی از شیرها نیز چهره انسانی دارند (تصاویر ۲۰، ۲۱ و ۲۲).



تصویر ۱۹. شیرهای جفتی، نقوش گیاهی، فروهر بر شیرها

منبع: <http://bajul.persiangig.com>



تصویر ۲۰. نمونه‌ای از شیرهای نیمه‌طبیعی و انتزاعی امروزی

منبع: <http://bajul.persiangig.com>



تصویر ۲۱. نمونه‌ای از شیرهای نیمه‌طبیعی و انتزاعی رنگ‌پردازی شده و بعضاً فانتزی

منبع: <http://dana.ir/news>



تصویر ۲۲. نمونه‌ای از شیرهای امروزی با چهره‌ای انسان

منبع: <http://touristguide.blogfa.com/post>

ویژگی‌ها و ریخت‌شناسی شیرهای قدیمی و جدید

شیرهای سنگی قدیمی و جدید از منظر ریخت، نوع سنگ، اندازه و حالت متفاوت‌اند که در اینجا بدان‌ها اشاره می‌شود. همان‌گونه که در بالا اشاره شد، مهم‌ترین تفاوت، در ریخت شیرها نمود یافته است. در جدول ۲، خصوصیات شیرهای قدیمی و جدید آمده است.

جدول ۲. شمایل‌نگاری شیرهای سنگی قدیمی و امروزی

شیرهای امروزی		شیرهای قدیمی	
بزرگ و حجیم	طبیعی، انتزاعی، پهن، چاق و فربه	کوچک، متوسط و بزرگ	انتزاعی، باریک و لاغراندام
دهان باز (در حال خشم، غرش و درنده‌خویی)	دست و پاها از هم باز و نسبتاً بزرگ	دهان بسته یا کمی باز برای نشان‌دادن حالت طبیعی فرم دهان	دست و پاها به‌هم‌چسبیده و کوتاه
چهره خشمگین و درنده‌خو	نشسته و ایستاده	چهره آرام، ملایم و خنثی	ایستاده (راست‌قامت) و نیم‌خیز (حالت حمله‌بر)
بدن بزرگ	غیرعادی و اغراق‌گونه	بدن عادی و کوچک	فاصله گردن تا بدن بسیار کم
بدن ضخیم و فربه	دم بلند	بدن ظریف‌تر و لاغرتر	دم کوتاه و برخی بدون دم

شیرهای امروزی		شیرهای قدیمی	
دارای پنجه	یال و کوپال‌دار	بدون پنجه	بدون یال و کوپال
بدن شیرهای امروزی بدون تزئین یا تزئینات محدود		بدن شیرهای قدیمی دارای انواع تزئینات	
سنگ‌های خاکستری متمایل به آبی		سنگ‌های سفید، نخودی و خاکی	
ساده و بدون تزئینات یا تزئین کم (تفنگ و شمشیر)		ساده یا با تزئین (تفنگ، طبانچه، شمشیر، خنجر و گرز)	
رنگ‌پردازی نقوش حجاری‌شده بر بدن برخی از شیرها		رنگ‌پردازی‌نشده شیرها یا نقوش حجاری‌شده بر بدن آن‌ها	
کوتاه و یکسان‌بودن دست و پاها		کوتاه‌تر بودن دست‌ها از پاها در بسیاری از شیرها	
صاف‌بودن دست و پاها		به سمت جلو بودن دست‌ها در برخی از شیرها	
نگارش کتیبه‌ها با خط نسخ، نستعلیق و شکسته نستعلیق		نگارش کتیبه‌ها با خط نسخ	

منبع: پژوهشگر

جنس، اجزا، ابعاد و حالت‌های بدن و چهره‌های شیرهای سنگی

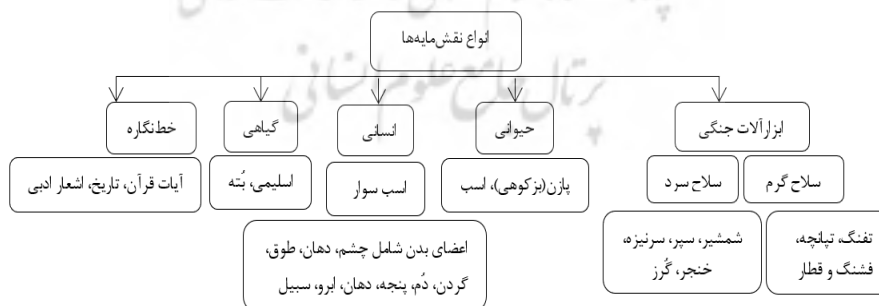
جنس سنگ در قدیم عمدتاً از جنس مرمریت و سلیس بود که در مقابل فرسایش و شرایط جوی به‌ویژه سرمای سخت، دارای مقاومت بسیاری بود، اما امروزه از جنس کریستال و سنگ سفید است. همچنین به‌طور نادر و به‌دلخواه سفارش‌دهنده، از سنگ تراورتن و سنگ چینی سفید نیز استفاده می‌شود. بدن شیرهای سنگی به‌طور کلی دارای اجزایی هستند که عبارت‌اند از: بدن، گردن، پاها، پنجه، دم، طوق، یال‌ها و صورت (دهان، چشم، دندان، بینی و در برخی موارد نادر، سبیل). چهره شیرهای سنگی قدیمی، بیشتر حالتی آرام و خنثی و بعضاً خشمگین دارد؛ اگرچه در برخی موارد استثناً هم خندان به‌نظر می‌رسد (تصویر ۲۳). فرم دهان شیرها به سه حالت بسته، باز یا نیمه‌باز است. اندازه شیرها معمولاً به جایگاه متوفی نزد بازماندگان، بستگی دارد. متوفی به‌لحاظ جایگاه اجتماعی اگر در سطح بالایی بوده، طبعاً شیر سنگی که روی مزار وی استوار می‌شود، بزرگ‌تر و حجیم‌تر خواهد بود. علاوه بر آن، روح حماسی، رشادت و نبرد با دشمن نیز در این بزرگی سهم برجسته‌ای داشته است. «اندازه شیرها در دوره‌هایی که اقتدار، عظمت و روح دشمن‌ستیزی بر ایران حاکم بود، بزرگ‌تر و بااهمیت‌تر است. شیرهای دوره زندیه، افشاریه و صفویه از تندیس‌های دوره‌ای قاجار و پهلوی بااهمیت‌تر هستند» (قنبری، ۱۳۹۰: ۱۰۵). ابعاد رایج شیرهای ساخت هفشجان، در طول، ۱۶۰ تا ۲۲۰ سانتی‌متر (برای شیر نشسته و ایستاده)، در ارتفاع ۶۰ تا ۱۰۰ سانتی‌متر (شیر نشسته) و ۹۰ تا ۱۴۰ سانتی‌متر (شیر ایستاده) و در ضخامت (پهنا و کلفتی)، ۳۰ تا ۵۰ سانتی‌متر است.



تصویر ۲۳. شیر سنگی با چهره‌های خندان، دارای ابرو، بینی و سبیل، ایگودرز، منطقه زلقی (بز نوید)، مزارستان تیتکان
منبع: پژوهشگر

عناصر و نقش‌مایه‌های تزئینی حجاری شده بر پیکر شیرهای سنگی

اگرچه خود شیر به‌عنوان یک عنصر نمادین و آیینی، روی مزار استقرار می‌یابد، بر پیکر و بدن این حیوان نیز عناصر و اشکال نمادین و حامل پیام نیز حجاری و نقش‌پردازی شده است. عناصر و نقش‌مایه‌های حجاری شده بر بدن شیرها به پنج دسته ابزارآلات جنگی، حیوانی، انسانی، گیاهی و خط‌نگاره‌ها تقسیم شده‌اند (تصویر ۲۴). طراحی و ترسیم ذهنی، و سپس حجاری آن‌ها روی بدن شیرها، بعد زیباشناختی شیرهای سنگی است. عناصر و نقش‌مایه‌های تزئینی حجاری شده بر بدن شیرها، با مفاهیم حماسی و اطلاع‌رسانی مشخصات متوفی همراه است که هدف آن یادبود و یادآوری مضامین و صفات متوفی است. انواع ابزارآلات و سلاح‌های جنگی سرد نظیر شمشیر و سپر، گرز، خنجر و سرنیزه یا سلاح گرم مانند تفنگ (برنو، تکلول و دولول، کلت کمری و طپانچه)، همایل یا قطار فشنگ (تصویر ۲۵) است. روی برخی از سپرها دایره‌هایی است که هرکدام نشان‌دهنده پنج سال از عمر متوفی است؛ برای مثال متوفی در سن سی سال با شش دایره نشان داده شده است (تصویر ۲۶). روی برخی از شیرهای قدیمی، عناصری نظیر شانه، مهر نماز و تسبیح نیز حجاری شده است (تصویر ۲۷).



تصویر ۲۴. انواع نقش‌مایه حجاری شده بر بدن شیرها

منبع: پژوهشگر



تصویر ۲۵. تفنگ و قطار فشنگ، همراهان همیشگی مردان بختیاری در کنار شیر سنگی و

نقش پاژن / منبع: <http://fa.m.wikipedia.org>



تصویر ۲۷. شیر سنگی با نقش مهر نماز، تسبیح و شانه بر روی سر شیر

منبع: پژوهشگر

خانواده‌ها و مردان بختیاری دارای سلاح‌های مذکور هستند که وجود هریک از آن‌ها را برای پاسداری از کیان و شرف خانوادگی ایلی و عشایری خویش در مقابل بحران‌ها و خطرات ضروری می‌دانند. در واقع کارکرد سلاح، دفاعی، حماسی و رزمی است که حتی بعد از مرگ متوفی و روی مزار و بدن شیر بازتاب می‌یابد. عناصر تزئینی علاوه بر کارکردهای یادشده، به حرفه و پیشه متوفی شامل «شکارچی بودن» وی نیز اشاره دارد. تصاویر حیواناتی مانند اسب و اسب‌سوار (نمودی از شکارچی و متوفی) و بز کوهی (پاژن و کل) نیز بر بدن شیرها حکاکی می‌شوند که هریک از آن‌ها دارای پیام هستند. اسب، حکایت از مرکب متوفی، و یار و همراه همیشگی وی دارد و بز کوهی، کنایه از شکار مرد شکارچی است. از دیگر عناصر تزئینی بر پیکر شیرها می‌توان به خط‌نگاره‌ها^۱ (کتیبه مشخصات متوفی)، نقش‌مایه‌های گیاهی (گل‌های

۱. بر بدن شیرها چه قدیمی، چه جدید، عنصر تزئینی نوشتار و خط‌نگاره شامل مشخصات متوفی حجاری نمی‌شد، مگر به صورت محدود و استثنا.

تزئینی-بته‌جقه، تاریخ عددی، ادبیات (اشعار و آیات قرآنی) اشاره داشت. در شیرهای امروزی، ظهور خط‌نگاره‌ها در مقایسه با شیرهای قدیمی، بیشتر و برجسته‌تر است. فضای حجاری و نوع کتیبه‌ها نیز مطابق با خلاقیت و سلیقه هنرمند انتخاب می‌شود (تصویر ۲۸). کتیبه‌ها در شیرهای قدیمی با خط نسخ و در شیرهای امروزی با خط نسخ، نستعلیق و شکسته نستعلیق حجاری شده است. در گردن شیرهای قدیمی، عنصر تزئینی گردن‌بند یا همان قلاده وجود دارد، اما در گردن شیرهای امروزی چنین چیزی وجود ندارد. در دهان برخی از شیرهای قدیمی که به‌صورت باز، حجاری و نشان داده شده است، سر و چهره انسان وجود دارد (تصویر ۷). این حالت در شیرهای امروزی وجود ندارد. در شیرهای امروزی از عنصر رنگ نیز استفاده می‌شود که از آن جمله می‌توان به رنگ زرد، سیاه، قهوه‌ای نسبتاً تیره (حلوایی) و طلایی اشاره کرد. در جدول ۳، نقش‌مایه‌های رایج و حجاری‌شده بر بدن شیرهای سنگی ذکر شده است.



تصویر ۲۸. انواع خط‌نگاره‌ها با مضامین گوناگون در شیرهای قدیمی و امروزی

منبع: <http://alef.ir/news>

جدول ۳. انواع نقش‌مایه تزئینی و کنده‌کاری‌شده بر بدن شیرها

نام نقش‌مایه	تصاویر
تفنگ	اسب‌سوار
اسب	خنجر
شمشیر و سپر	
گوز	خط‌نگاره
پازن (بزکوهی) و گوزن	نقوش گیاهی گل و بوته (بته)

منبع: پژوهشگر

نکته مهم در پیکرتراشی شیرها، علاوه بر جنبه نمادین، جنبه تزئین و دکوراسیون منزل و مبلمان شهری، هتل‌ها، پارک‌ها و... است. در برخی مناطق مانند هفشجان در استان چهارمحال و بختیاری که یکی از مراکز ساخت شیرهای سنگی بختیاری است، شیرهای سنگی در ابعاد کوچک، صرفاً برای تزئینی دکوراسیون، حجاری و تولید می‌شود (تصاویر ۲۹).



تصویر ۲۹. شیرهای تزئینی ساخت هفشجان

منبع: پژوهشگر؛ <http://tasnimnews.com>؛ قنبری، ۱۳۹۹: ۲۸-۲۹

نتیجه‌گیری

در این مقاله، بر مبنای رویکرد مردم‌شناسی هنر و از دیدگاه فرهنگ و جامعه بختیاری، فهم آفرینش شیرهای سنگی به عنوان یک عنصر هویتی و نمادین و نقوش کنده‌کاری شده بر آن‌ها بررسی شد. هنر حجاری و تولید شیرهای سنگی از مهم‌ترین هنرهای رایج در جغرافیای بختیاری است که در هویت بومی و هنری و مهم‌تر آیین‌های دیرپای ایشان نقش سازنده‌ای ایفا می‌کند و به دلیل محتوای زیباشناختی، معناشناختی و کارکردشناختی در ساحت مردم‌شناسی هنر، مستعد مطالعه و تحلیل در این بستر شناخته شد. شیرها، برساخته از ساحت ذهن و قوه خیال هنرمندان سنگ‌تراش است که گستره مادی و معنوی وسیعی را از فرهنگ اصیل این قوم در خود جای داده است؛ بنابراین شیرها و نقوش حاصل از خلاقیت و ابتکار ذهنی در آن‌ها، در چارچوب فرهنگ بختیاری تحلیل و بررسی شد. حجاران و سنگ‌تراشان در فرایند ساخت شیر و در قالب نقوش انتزاعی و تجریدی، باورهای خویش را که ریشه در دین و فرهنگ دارند، بر مبنای خلاقیت، ذوق و احساس، به مخاطب عرضه می‌کنند؛ بنابراین بررسی و فهم این نقوش در زمینه فرهنگی که در آن تولید و بازنمایی شدند، هدفی بود که این پژوهش بر مبنای رویکرد مردم‌شناسی هنر دنبال کرد. بعد زیباشناختی در این شیرها در سطح نقش و نیز سبک‌شناسی (انتزاعی و واقع‌گرا) دیده شد. از جهت فرم و حجم، شیرهای سنگی در گذر زمان دچار تغییر و تحول شدند. شیرهای قدیمی از نظر فرم، انتزاعی، دارای جثه‌ای کوچک و با موقعیت ایستاده و

در حالی حمله‌بر هستند؛ در صورتی که شیرهای امروزی از نظر فرم، طبیعی و واقعی (رئال‌گونه) و دارای یال هستند -البته در برخی از سنگ‌تراشی‌ها مانند هفشجان در نزدیکی شهرکرد و ایذه در منطقه خوزستان، هنرمندان شیرهای انتزاعی البته با شمایی خلاقانه و متفاوت با گذشته تولید می‌کنند. شیرهای امروزی غالباً دارای جنه بزرگ و نشسته و ایستاده هستند. همچنین هیبت و چهره شیرهای قدیمی آرام و خنثی، و شیرهای امروزی به‌استثنای شیرهای انتزاعی، دارای هیبتی نه‌تنها خنثی است، بلکه برخی از آن‌ها دهشتناک و خشمگین هستند. نکته مهم این رهیافت آن است که هنرمندان سنگ‌تراش امروز که عمدتاً جوان هستند، با رویکردی سنت‌شکنانه و بهره‌مندی از قوه تخیل، ذوق و خلاقیت خویش، تندیس شیرها را نه مانند گذشته، بلکه با تغییراتی در جنس سنگ، رنگ، فرم و شکل، و حجم و نیز افزودن انواع نقوش شکار و نبرد تراش می‌دهند. بسیاری از شیرهای امروزی را با انواع رنگ‌ها نظیر رنگ‌های قهوه‌ای و زرد و طیف‌هایی از آن‌ها رنگ‌پردازی می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که وجه زیباشناختی شیرهای سنگی امروزی در مقایسه با نوع قدیمی آن‌ها، بیشتر و برجسته‌تر است. در واقع هنرمند امروزی از هر تغییر و خلاقیتی در مورد آفرینش شیرهای سنگی و زیباتر شدن آن‌ها دریغ نمی‌کند، اما به‌نظر می‌رسد شیرهای قدیمی دارای اصالت فرهنگی و از وجه نمادین‌تری برخوردار بودند تا شیرهای امروزی که به‌نوعی تصنعی به‌نظر می‌رسند. در ساحت معناسازی نیز نقش‌ها دارای بار معنایی و هویتی، و حامل مفاهیم و مضامین نمادین هستند. هنرمند حجار بر بدن شیرها با بهره‌گیری از عناصر و نقش‌مایه‌های هویتی و شغلی نظیر انواع سلاح گرم (تفنگ و تپانچه) و سرد (گرز، شمشیر، خنجر و سپر)، انواع حیوانات شامل بزکوهی (پازن)، گوزن، اسب، نقش خورشید، انواع خط‌نگاره‌ها و کتیبه‌ها، بسیاری از باورهای خویش و جامعه خود را عینی‌سازی و احیا کردند. در ساحت کارکردشناختی نیز شیرهای سنگی، دارای کارکرد آیینی و اعتقادی هستند که از گذشته بر مبنای باورهای درونی جامعه ایلی و قومی، نهادینه و استمرار یافته است. علاوه بر کارکرد آیینی، امروزه به‌دلیل وجود هنرمندان جوان و خوش‌ذوق، کارکرد تزئینی و آراستن دکوراسیون (تزئین فضا و محیط خانه، دفتر کار و هتل‌ها، در قالب تندیس‌های کوچک و نیز برای هدیه‌دادن) نیز بدان اضافه شده است.

منابع

- ابراهیمی‌ناغانی، حسین (۱۳۹۳). مقدمه‌ای بر زیبایی‌شناسی نقش و رنگ گلیم‌های عشایر بختیاری. *مجله نگارینه*، ۱، ۱۹-۳۹.
- افروغ، محمد (۱۴۰۰). بررسی و تحلیل قالیچه‌های طرح محرابی بلوچ از منظر انسان‌شناسی هنر. *پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران*، ۲۱، ۲۹۹-۳۲۵.
- بهرامی آسترکی، غلامعلی (۱۳۹۴). *شعر بختیاری (چویل دم برف)*. تهران: میراث ماندگار.
- بهشتی، سیدمحمد (۱۳۸۲). *زیبایی و کاربرد رد در هنر سنتی. فصلنامه خیال*، ۵، تهران: فرهنگستان هنر.
- تناولی، پرویز (۱۳۵۶). *قالیچه‌های شیری فارس*. تهران: دانشگاه تهران.
- تناولی، پرویز (۱۳۸۸). *سنگ‌قبر، تهران: بنگاه*.
- دومان، رافائل (۱۳۸۷). *معتقدات و آداب ایرانی از عصر صفویه تا دوره پهلوی*. ترجمه مهدی روشن‌ضمیر. جلد اول. تهران: شفیع.
- زکریایی کرمانی، ایمان، نظری، امیر و شفیع سرارودی، مهرنوش (۱۳۹۴). *مطالعه نقوش سفالینه‌های معاصر روستای کلپورگان سراوان با رویکرد انسان‌شناسی هنر. فصلنامه علمی-پژوهشی نگره*، ۳۶، ۷۵-۹۲.
- صفی‌خانی، نینا، احمدپناه، سید ابوتراب و خدادادی، علی (۱۳۹۳). *نشانه‌شناسی نقوش سنگ قبور قبرستان تخت پولاد اصفهان (با تأکید بر نقوش حیوانی شیر و ماهی)*. *فصلنامه علمی-پژوهشی هنرهای زیبا (تجسمی)*، ۱۹ (۴)، ۶۷-۸۰.
- قنبری عدیوی، عباس (۱۳۹۳). *شیر سنگی (پژوهشی درباره شیرسنگی در بختیاری)*. شهرکرد: نیوشه.
- قنبری عدیوی، عباس (۱۳۹۰). *جستاری در فرهنگ و هنر بختیاری*. شهرکرد: نیوشه.
- قنبری عدیوی، عباس (۱۳۹۸). *بردشیر (شیرسنگی) در فولکلور و دانش بومی بختیاری*. *دانش‌های بومی ایران*، ۱۱، ۱-۴۷.
- گهستونی، مجتبا (۱۳۹۶). *شیرتراشی جوان که بردشیر خود را تراشید، سایت انجمن دوستداران میراث‌فرهنگی تاریانای خوزستان*.
- مورفی، هوارد (۱۳۸۵). *انسان‌شناسی هنر*. ترجمه هایده عبدالحسین‌زاده. *فصلنامه خیال*، ۱۷، ۲۰-۶۹.
- شیرانی، مینا، ایزدی جیران، اصغر، کوهستانی، مریم و اسپونر، برایان (۱۳۹۷). *بررسی انسان‌شناختی نقوش سفال کلپورگان سراوان*. *مجله هنرهای زیبا (هنرهای تجسمی)*، ۴، ۷۱-۸۰.

Ember, C. R., & Ember, M. (1993). *Anthropology*. Prentice Hall of India Ergin. New Dehli.

Leach, E. R. (1967). *Aesthetics*, In *The Institutions of Primitive Society*, edited by E. E. Evans-Pritchard, Oxford: Basil Blackwell, pp: 25-38.

Morphy, H. (1992). *Aesthetics in a Cross-Cultural Perspective: Some Reflections on Native American Basketry*. *Journal of the Anthropological Society of Oxford*. 23(1).

www.rugman.com/blog/rug.

www.tasnimnews.com/ www.cdn.tehran.wisgoon.com/ www.alef.ir/news/

www.rahyabnews.com/fa/news/ <https://www.alef.ir/new/>

